

دیکتاتوری رسانه

گفت‌وگو با محمدرضا نادری گیسور مشاور خبری مدیرعامل خبرگزاری ایرنا به بهانه جولان بی‌پایان اخبار در زندگی امروز

با «محمدرضا نادری گیسور» که از قدیمی‌های رسانه است و این روزها به‌عنوان مشاور خبری خبرگزاری ایرنا و مدرس روزنامه‌نگاری در این فضا مشغول است، گفت‌وگویی داشتیم و از ریزودرشت این داستان پرسیدیم و شنیدیم. این روزنامه‌نگار پیشکسوت در کارنامه فعالیت‌های خود تدریس روزنامه‌نگاری، معاونت خبر خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، مدیریت جام‌جم آنلاین، ریاست دفتر خبرگزاری ایرنا در اسپانیا و... را دارد. همچنین نویسنده کتاب «اصول روزنامه‌نگاری آنلاین» و دانشجوی دوره دکتری ارتباطات اجتماعی است.

عبور می‌کنیم. این در حالی است که جا دارد آموزش و پرورش به‌عنوان مساله بسیار پایه‌ای با توجه به تاثیر، قدرت و نقشی که رسانه‌ها در پیشبرد اهداف کشور و دفاع از منافع ملی، اطلاع‌رسانی و امنیت جامعه دارند، بازنگری‌ای در این فضا داشته باشد. مردم با آگاهی‌ای که پیدا می‌کنند، می‌توانند از حاکمیت و نظام خود دفاع کنند اما زمانی که این آگاهی وجود نداشته باشد، امنیت جامعه هم از بین می‌رود و همه چیز بی‌ثبات می‌شود.

یعنی به‌نظر شما آموزش سواد رسانه‌ای از پایه می‌تواند قدمی در راستای اعتلای دنیای رسانه، روزنامه‌ها و اخبارمان بردارد؟

پیشنهاد اول و اصلی من این است که آموزش و پرورش در همه مقاطع خیلی جدی به حوزه رسانه توجه کند و الفبای این دنیا را به همه دانش‌آموزان یاد دهد چرا که چه بخواهیم و چه نخواهیم، همه با رسانه سروکار دارند. گوشی‌های تلفن همراه منبع اصلی گزارش، خبر و همه مواردی‌اند که در حوزه اطلاع‌رسانی صحبت می‌کنند. خب زمانی که از بچگی این وسیله در اختیار همه قرار می‌گیرد، فرد باید بداند که چه چیز را باید ببیند یا باور کند. حتی در غرب هم ما قفل کودک داریم؛ جریانی که در مورد برنامه‌های شان هم صدق می‌کند.

مثلاً زمانی که من اسپانیا بودم، تا حدود ۹ شب آنها برنامه‌هایی را پخش می‌کردند که اگر کودک و نوجوانی دید، اشکالی نداشته باشد. در حالی که ما شاید به این تقسیم‌بندی هم توجه نکردیم و آموزشی هم داده نشده که الان چه خبر یا برنامه‌ای را ببینند یا آن را نپذیرند.

خیلی از مطالبی که امروز در حال انتشار هستند، توسط منافقین با حرف‌های بی‌سروتهی شکل می‌گیرند که پایه درستی ندارند؛ اخباری که علیه مردم، حاکمیت و... شکل می‌گیرند و مردم هم بی‌خبر از اصل داستان، فوری آنها را در فضای مجازی دست‌به‌دست می‌کنند. همین است که یک خبر بی‌اساس به‌سرعت می‌چرخد. در ادامه به همین دلیل دانشگاه‌ها هم باید به این حوزه خیلی بیشتر توجه کنند یعنی در همه مراکز آموزشی به‌خصوص رشته‌های علوم انسانی، باید درس‌هایی باشند که حتماً حوزه رسانه را به خوبی بشناسانند. سواد رسانه‌ای هم باید برای همه رشته‌ها تدریس شود.

این فضا دارند اما به دلایل مختلف میزان آن قابل توجه نیست.

چه دلایلی در این امر دخیل هستند؟

کمبود نیروی انسانی مجرب، بودجه و شاید هم نبود اولویت‌بندی و... باعث شده ما در حوزه خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های نتوانیم جایگاه معتبری داشته باشیم و صدای مان در این عرصه به مخاطبان نمی‌رسد. در این میان حتی در حوزه شبکه‌های اجتماعی هم این مشکل را داریم. در این فضا هم مشکلات زیادی داریم؛ از نرم‌افزاری گرفته تا نیروی انسانی. متأسفانه یکی از مشکلاتی که بیشتر به داخل برمی‌گردد، بحث سواد رسانه‌ای است یعنی ما نتوانستیم اقدامی کنیم که این سواد بالا برود تا مردم بتوانند سره را از ناسره تشخیص دهند؛



به همین خاطر اخبار نادرستی که خیلی از آنها علیه انقلاب، منافع ملی و ملت هستند، به راحتی در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شوند. رهبر انقلاب هم در صحبت‌های اخیرشان گله کردند که حقوق رسانه‌ای باید بهتر تدوین شود، عبارتی که البته نقل به‌مضمون است ولی بخش زیادی از این جریان ناشی از مشکلی است که در شبکه‌های اجتماعی داریم؛ به خصوص آنکه روزنامه‌ها و رسانه‌های رسمی هم خیلی ضعیف شده‌اند.

این ضعف و آشفتگی که از آن گفتید، به چه عواملی برمی‌گردد؟ و چرا معتقدید روزنامه‌ها در جایگاهی که باید نیستند؟

یکی از مشکلاتی که امروز در حوزه روزنامه‌نگاری در ایران داریم، به بحث تربیت نیروی انسانی برمی‌گردد. در آموزش و پرورش که آموزش پایه‌ای را بر عهده دارد، خیلی به رسانه و سواد رسانه‌ای توجه نشده است. گاهی تنها در حد درس در بعضی از مقاطع مثل متوسطه اول یا دوم خیلی مختصر از این موضوع

امروز تا چشم باز می‌کنیم، خواهناخواه با اخبار مختلفی روبه‌رو می‌شویم. می‌توانیم بگوییم با دیکتاتوری رسانه مواجهیم؟

در عرصه رسانه آنهایی که قدرت رسانه‌ای بیشتری دارند، می‌توانند این کار را کنند و به دنبال این هستند که در جهت افزایش پیشبرد اهداف حاکم، خودشان صدای مسلط باشند. رسانه‌ها همیشه صدا و نماینده جریانی هستند یعنی به‌خودی‌خود صدایی از خودشان ندارند، البته رسانه‌های مستقل نیز هستند اما در همه دنیا هر کس قوی‌تر است، سعی می‌کند صدای بلندتر و رسانه قوی‌تری داشته باشد. در این بین اقلیتی که صدای ضعیف‌تری دارد، تلاشش این است که از درگاه رسانه برای تنویر افکار عمومی استفاده کند. اما این موضوع در دنیا

هم شرایط خوبی ندارد یعنی در عرصه بین‌المللی، دیکتاتوری رسانه خیلی پررنگ است.

پس در واقع، این جریان به‌صورت همه‌گیر در هر نقطه‌ای از دنیا خودش را به‌شکلی نشان داده است...

بله، شما به رسانه‌های مطرح نگاه کنید؛ چهار، پنج خبرگزاری مسلط هستند که از سال‌ها قبل متصل به چند کشورند و حیاتشان همچنان ادامه دارد. مثل رویترز که وابسته به انگلیس است یا آسوشیتدپرس که

وابسته به آمریکا است و موارد دیگر. این در حالی است که ما هم شبکه‌هایی مثل العالم، پرس‌تی‌وی و... را داریم که در مقابل رسانه‌های دیکتاتوری در اقلیت محسوب می‌شوند. البته در داخل شرایط فرق می‌کند.

در داخل چطور؟ اوضاع و احوال رسانه‌های خودمان در این دسته‌بندی از نظر شما به چه شکل است؟

خوشبختانه جمهوری اسلامی ایران و انقلاب اسلامی که صدای مستضعفان عالم است، تا حدی توانسته صدای اش را به کشورها و مردم محروم برساند. مثلاً هیسپان تی‌وی در آمریکای لاتین طرفداران زیادی دارد، پرس‌تی‌وی بین انگلیسی‌ها و بقیه هم به همین ترتیب. بنابراین در حوزه تلویزیونی و شبکه‌های ماهواره‌ای خوشبختانه اقداماتی انجام شده است اما در حوزه مکتوب خیر. ما هنوز هیچ روزنامه یا خبرگزاری‌ای نداریم که بتواند اخبار ما را به‌طور مستقیم به کشورهای دیگر برساند. البته گاهی ایرنا، تسنیم و... خروجی‌هایی در

سیاسی مختلف بودند و آشنایی چندانی با امور ژورنالیستی نداشتند، به همین دلیل اهمیت چندانی هم به تیراژ و افزایش آن نمی‌دادند. از سوی دیگر، رسانه‌های ماهواره‌ای از راه رسیدند و ضربه مهلکی بر پیکر کم‌توان مطبوعات زدند. به این ترتیب، دو روزنامه کیهان و اطلاعات که در آستانه انقلاب هر روز با تیراژ یک میلیونی منتشر می‌شدند، به تیراژی کم‌تر از پنج هزار نسخه رسیدند. در نتیجه این جریان، رغبت افکار عمومی هم به مطبوعات کم‌تر شد. در ادامه اما با پیشرفت روزنامه‌نگاری در ایران شکل دیگری به خود گرفت و باز هم توانست تا حدی بین مردم جای‌اش را باز کند. با این حال پس از مدتی با توجه به افزایش لوازم چاپ و نشر، روزنامه‌ها کم‌تر می‌توانستند از عهده دخل و خرجشان بریایند؛ مثل همین روزها که خیلی از رسانه‌های کاغذی با مشکل مواجه شده‌اند. با این حال، در همین شرایط از همان روزها تا الان خیلی از خبرنگاران سخت‌کوش با کم‌ترین دستمزد و تنها از روی علاقه این راه را ادامه داده و می‌دهند.

سوژه‌یابی و پرداخت مناسب به آن، از مهم‌ترین نکات این حرفه است. شما در طول دوره کاری‌تان سعی کردید با چه نگاهی سراغ سوژه‌ها بروید؟

من همیشه سعی کردم سوژه‌هایی را انتخاب کنم که پرداختن به آنها هاله‌های ایهام را در مسائل مهم اجتماعی کنار بزند. این نگاهی بود که هر بار در پرداختن به یک موضوع آن را در نظر می‌گرفتم.

تکان‌دهنده‌ترین سوژه‌ای که سراغ آن رفتید و با آن روبه‌رو شدید، چه بوده؟

یکی از تکان‌دهنده‌ترین سوژه‌هایی که سراغش رفتم، مربوط به تبهکاری بود که با یک خودرو به‌عنوان مسافرکش زنان و دختران را در راه محل کار یا خانه می‌ربودند و پس از تعرض و سرقت یا آنها را رها می‌کردند و یا به‌قتل می‌رساندند. یکی از این تبهکاران که به «خفاش شب» معروفش کردیم، به‌عنوان مسافرکش، هفت دختر و زن جوان را کشته و جنازه‌های شان را در بیابان‌های حاشیه غرب تهران رها کرده بود. ما هم در شناسایی این مرد خفاش صفت در صفحه حوادث روزنامه ایران راهنما و همراه پلیس بودیم. در حالی که در آن دوران گمان می‌کردند خفاش شب فرد دیگری است.

سوژه یا موضوعی بوده که هنوز که هنوز است دلتان بخواهد به آن پردازد؟

موارد مختلفی هستند اما من هنوز هم دوست دارم برای ریشه کردن خفاشان شب همچنان به تلاش ادامه دهم.

بعد از همه این سال‌ها فعالیت و کار در حوزه روزنامه‌نگاری، چه آرزویی برای این دنیای کاغذی که البته امروز بخش الکترونیک هم به آن اضافه شده است، دارید؟

در پایان امیدوارم با تحول در عرصه مطبوعات، روزنامه‌ها مثل گذشته با حضور مدیران روزنامه‌نگار و تأمین رفاه خبرنگاران، چون گذشته جذابیت واقعی خود را پیدا کنند. چرا که هیچ رسانه‌ای نمی‌تواند نقش موثر و واقعی مطبوعات را در جامعه ایفا کند. چنانچه قدیم‌ترها مردان خانواده با ضمیمه‌ای از روزنامه مورد علاقه‌شان به خواب می‌رفتند یا در اتوبوس‌های شهری، مسافرانی را می‌دیدید که در راه سرگرم مطالعه صفحه‌ای از یک روزنامه هستند؛ در حالی که امروز چنین جریانی را کم‌تر می‌بینیم. مثلاً در مترو هیچ جوانی را سرگرم مطالعه نمی‌بینید، بلکه هر مسافر با تلفن دستی‌اش مشغول بازی کردن است.